

**بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده(همسر آزاری) در
شهر کرمان در نیمه سال اول ۱۳۹۴**

کمال جوانمرد^۱

تاریخ وصول: ۹۳/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۲۰

چکیده

بررسی و شناخت علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر کرمان با هدف شناسایی مهمترین عوامل برای کاهش میزان این پدیده می باشد. در این راستا از نظریه های منابع "گود" و خرده فرهنگها "باوکر"، "باندورا"، "گلز" و همچنین نظریه های فمینیست های لیبرال، مارکسیست، رادیکال، فرامدرن و سوسیال فمینیست به منظور تدوین و تنظیم چارچوب و الگوی نظری بهره گرفته شده است. مهمترین متغیرهای مستقل نیز شامل اعتیاد همسر، مشاهده و تجربه خشونت در خانواده خاستگاه، طول مدت ازدواج، یادگیری، تفاوت های قومیتی زوجین، سوءظن، اعتقادات و باورهای دینی و درآمد می باشد.

روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایش و تکنیک آن نیز پرسشنامه برگزیده شده که پایایی آن بوسیله ی "آلفای کرونباخ" معادل ۰.۸۱ برآورد شده است. پردازش اطلاعات بوسیله ی نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۱ و در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام مورد تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه ها قرار گرفته شده است. حدود مطالعاتی این پژوهش زنان متأهل مراجعه کننده به مراجع قضایی به ویژه شعب دادگاه خانواده شهر کرمان در نیمه اول سال ۹۴ به تعداد ۲۱۷ نفر می باشند که باخشونت همسرانشان به مراجع دستگاه های قضایی مراجعه نموده اند که از این تعداد ۱۵۳ نفر مورد مطالعه قرار گرفت.

واژگان کلیدی: خشونت، همسرآزاری، کرمان، تفاوت های جنسیتی، سوءظن

۱- عضو هیأت علمی و استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران، کرمان
Javanmardkamal@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، نهادی مقدس و سنگ بنای جامعه است و یکی از مهم ترین نهاد اجتماعی محسوب می شود. خانواده برای رشد و شکوفایی خود نیاز به محیطی بالنده دارد که در آن امکان آرامش و اطمینان وجود داشته باشد. بسیاری از انسان ها پایه گذاری خانواده را جشن می گیرند و با اشتیاق زندگی مشترک را شروع می کنند. اما چه عواملی موجب می شود تا این بنای اساسی راه تزلزل را بیش می گیرد و به خشونت کشیده می شود. آنچه مسلم است در بررسی این پدیده باید تفاوت در ظرفیت های اقتصادی، ایدئولوژی و شرایط اجتماعی هر جامعه را در نظر داشت و به علل و میزان تأثیرگذاری عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر عوامل را بر خشونت همسران علیه زنان بازشناسی کرد. زیرا خشونت علیه زنان جایگاهی بس مهم و اساسی در جامعه دارد. همان پدیده که در علوم اجتماعی معتقدند یک معضل اجتماعی رو به رشد بوده است و مبنای یادگیری دارد و افراد رفتار خشونت آمیز را نسبت به اعضای خانواده خود از دیگران یاد می گیرند. گروه هایی که در درون خانواده ها بیشتر در معرض خشونت قرار دارند اصولاً زنان هستند. در این پژوهش سعی گردیده برخی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت همسران علیه زنان در خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

خشونت علیه زنان هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی، روانی و رنج زنان شود، که چنین رفتاری می تواند با تهدید، اجبار یا سلب اختیار و آزادی و به صورت پنهان یا آشکار انجام می شود. این پدیده در هر جامعه دلایل خاص خود را دارد و با شرایط زندگی فردی و اجتماعی زنان هر جامعه متناسب می باشد. (کار، ۱۳۷۹: ۱۷). آنچه مسلم است خشونت در ابعاد مختلف در درون خانواده ی ایرانی نیز صادق است. اما ابعاد، گستردگی، نوع خشونت، عواملان و ویژگی های خانواده های با رفتار خشن به طور کامل مشخص نشده است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۱۲) و چون زنان مطلقه در ساختار سنتی ایران مورد حمایت نیستند و تا جایی که بتوانند در زندگی زناشویی از خود انعطاف و پذیرش نشان می دهند تا مطلقه و بیوه نشوند و کانون خانواده را مستحکم و پایدار نگه دارند (ستوده، ۱۳۸۰: ۲۰۵).

تا حدود سه دهه ی قبل، جامعه شناسی خانواده به دو صورت متفاوت مورد بررسی قرار می گرفت. یک گروه از جامعه شناسان، خانواده را واجد شرایط صمیمیت، عشق، علاقه و محبت و نزدیکی افراد به یکدیگر و تنها مکان برای رشد و پرورش و اجتماعی کردن فرزندان می دانستند و گروه دیگری از جامعه شناسان، خانواده را از شرایط اجتماعی و اقتصادی دوران متأثر می دانند و عقیده دارند که جبرهای اجتماعی، شکل خانواده و چگونگی روابط افراد را در خانواده تعیین می کند. از دید این گروه، روابط واقعی افراد خانواده، الزاماً بر الگوی مطلوب خانواده ها منطبق نیست و بازتابی از شرایط تضادهای اجتماعی در درون خود است. در نتیجه، نگاه این جامعه شناسان متوجه تضادهای میان افراد در درون خانواده و تفاوت های قشری در روابط خانوادگی است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۱). نگرش عمومی جامعه نیز

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

بر اساس سنت های پدر سالاری، مرد را در خانواده دارای اقتدار زیاد می دانند و این رویکرد موجب شده تا زنان ایرانی رفتار خشونت آمیز شوهر را تا حد زیادی تحمل می کنند، تا آنجا که خشونت علیه زن تقریباً عرف پذیرفته شده ای است که حد و مرز آن تابع ساختار فرهنگی افراد خانواده ها و طبقات گوناگون اجتماعی و بافت فرهنگی محلی است. تصور ناآگاهانه ی عموم بر آن است که باورهای عامیانه، رفتار خشونت آمیز شوهر با همسر را در مواردی تأیید کرده و بلکه به آن فرمان داده است (جغتایی، ۱۳۸۰: ۱۹۶). در هر حال، این پژوهش در تلاش است تا ضمن بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده و همسر آزاری در شهر کرمان به ارائه و تبیین راهکارها جهت کنترل و پیشگیری از این مسأله و معضل اجتماعی بپردازد. پدیده ایی که به تدریج بنیان خانواده در کرمان مورد تهدید قرار می دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آنچه مسلم است، در نزد عوام، خشونت نسبت به زنان در خانواده جرم محسوب نمی شود و بسیاری از زنان می دانند که حتی پس از طرح شکایت ناگزیر از زندگی باهمسر خود در زیر یک سقف خواهند بود و هیچگونه حمایت و پناهگاهی سراغ ندارند. در نتیجه در طول زمان اینگونه قربانی خشونت های دائمی می شوند. دریک بررسی که در استان کرمان در این راستا صورت گرفته حدود ۶۶٪ از خانوادها دست کم یک بار خشونت را از ابتدای زندگی تجربه کرده اند که ۳۰٪ از این خشونت ها فیزیکی و حاد بوده است و ۱۰٪ منجر به صدمات موقت یا دائم بوده است.

اهمیت کاربردی این تحقیق این است که نتایج آن می تواند به برنامه ریزی در جهت تقویت سیاست گذاری ها و حمایت های اقتصادی و اجتماعی برای زنان در شهر کرمان و همچنین، تقویت نهادهای مشاوره و مددکاری برای خانواده، تأسیس خانه های امن، ایجاد مشاغل و حمایت های قانونی برای زنان کمک کند، تأمین سلامت روانی این قشر عظیم جامعه، می تواند به پیشگیری از خشونت نیز منجر شود. به طور کلی توجه به نکات زیر ضرورت انجام پژوهش درباره ی خشونت علیه زنان در شهر کرمان را متذکر می شود.

آمار دقیقی که به توصیف مسأله بپردازد کمتر وجود دارد.

میزان گسترش و عمق مسأله، در شهر کرمان به وضوح روشن نیست .

تحقیقات و پژوهش هایی که به تحلیل و بررسی عوامل و عواقب مسأله بپردازد، کمتر وجود دارد. ضرورت شناخت جامعه هدف برای برنامه ریزی های بهتر، وقتی حتی اطلاعات اساسی و پایه ای در مورد تعداد افراد در معرض خشونت و وجود ندارد. مسلماً نمی توان برای افرادی که خصوصیات و تعدادشان مشخص نیست ، برنامه ریزی کرد .

وجود نداشتن تحقیقات در مورد موضوع باعث انکار و اغفال مسأله در سطوح بالاتر و مسؤولین امر می شود .

اهداف تحقیق

این قسمت از تحقیق به بررسی اهداف پژوهش که شامل هدف های کلی تحقیق یعنی اهداف، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین اهداف ویژه که از بطن هدف های کلی تحقیق بیرون آمده است ، می پردازد.

الف - هدف کلی

بررسی خشونت مردان علیه زنان در خانواده های شهر کرمان و تعیین ارتباط و تأثیر میزان عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده یا همان همسرآزاری به منظور کنترل و پیشگیری این مسأله ی اجتماعی از اهداف اصلی این پژوهش است.

ب - اهداف ویژه

شناخت رابطه ی بین عوامل اقتصادی نظیر درآمد و خشونت علیه زنان.
شناخت رابطه ی بین عوامل اجتماعی و فرهنگی نظیر شغل، سن، خرده فرهنگ خشونت و فرادست انگاری مرد ، قومیت و تحصیلات و خشونت علیه زنان .
شناخت رابطه میان اعتیاد با خشونت مردان علیه زنان در خانواده
شناخت رابطه میان یادگیری و تقلید با خشونت مردان علیه زنان
شناخت رابطه میان باورها و اعتقادات دینی و خشونت مردان علیه زنان
شناخت رابطه میان سوءظن و خشونت مردان علیه زنان

ادبیات تحقیق

مطالعات و تحقیقات متعددی به بررسی خشونت علیه زنان پرداخته، به طوری که بعضی از تحقیقات یک جنبه و بعضی چند جنبه را مورد بررسی قرار داده اند، بعضی از این تحقیقات تئوریک و بعضی عملی بودند. این بخش از تحقیق به مطالعه و بررسی پژوهش ها و مطالعات انجام شده در زمینه خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزادی) در داخل و خارج از کشور می پردازد.

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری) در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

الف: تحقیقات داخلی

تحقیقاتی که در ایران انجام شده، بعضی کتابخانه ای بوده مانند پژوهش "مهر امگیز کار" (۱۳۷۹)؛ و بعضی از طریق تحلیل محتوا انجام شده، نظیر پژوهش "اخضری" بر روی اخبار درج شده در روزنامه ها در سال های ۱۳۷۵-۱۳۷۷؛ بعضی نظر سنجی بوده است مانند پژوهش "آزاد ارمکی" (۱۳۷۵) بر روی جامعه ی شهر که در زیر به اختصار به پاره ای از آن ها پرداخته شده است:

- "شهین گیائی" و "فرحناز جوکار" (۱۳۸۰)، در پژوهشی در استان ایلام که بر روی نمونه ی ۳۶۶ نفری انجام گرفته بود، دریافتند ویژگی های شخصیتی مرد شامل اهمیت دادن و ندادن به وضعیت ظاهری (چهره و قیافه) همسر، داشتن و نداشتن اعتیاد، بدبینی و بد دهنی، با خشونت علیه زنان رابطه دارد. به طور کلی در این تحقیق، آزار جسمی زن در حال حاضر و در گذشته با عوامل مذهبی رابطه نشان داده است. همچنین آزار جسمی زن، در حال حاضر و در گذشته، با ویژگی های شخصیتی مرد، رابطه ی معنا داری را تأیید کرده است.

- "مجید حقیقت دوست" (۱۳۹۲) در بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در شهر بوشهر (پایان نامه کارشناسی ارشد) در رشته جامعه شناسی - دانشگاه شیراز در سال ۱۳۹۲ به این نتایج دست یافته است.

- "دهقانی، عبدالرحیم". (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز

- "عظیم زاده، شادی" (۱۳۹۲) حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت (در مقایسه حقوق ایران و آمریکا). پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران:

ب: تحقیقات خارجی

با آنکه جامعه شناسی به طور رسمی با اندکی تأخیر وارد بررسی های مربوط به خشونت شد، اما در طول زمان به نتایج مهمی دست یافت. بررسی های مربوط به خشونت با مقاله ای آغاز شد که در سال ۱۹۶۲، "کمپ" و همکاران تحت عنوان «علایم مشخص کودک کتک خورده» منتشر کردند. در اوایل دهه ی ۱۹۷۰، به تدریج محققان دیگری در این زمینه بررسی هایی انجام دادند و نتایج آنها را اعلام کردند. در این رهگذر جامعه شناسان متعددی تحقیقات مربوط به خشونت را در کشورهای گوناگون انجام داده اند. در اینجا از برخی از سرشناس ترین آنها که طی چندین سال تحقیقات متعددی انجام داده اند، نام برده می شود. از اولین افرادی که در این زمینه شروع به فعالیت کرد می توان از "جیل" نام برد که از سال های ۱۹۷۰ به بعد به بررسی هایی در زمینه ی خشونت نسبت به کودکان پرداخت. تحقیقات "المر" در سال ۱۹۷۷ در مورد سوء استفاده از کودکان بود. "اشتروس" و "استاین متر" نیز از سرشناس

ترین در این حوزه هستند که بررسی آنها مربوط به سال ۱۹۷۴ می باشد. از افراد دیگر در این زمینه می توان از "برگس" و "هولم استورم" (۱۹۷۸ و ۱۹۷۴)، "گروث و بیرنباوم" (۱۹۷۹) نام برد. "مارتین" (۱۹۷۶) در بررسی های خود به زنانی توجه داشت که از شوهران خود کتک می خوردند. "گلز" در سال ۱۹۷۴ سوء استفاده از زنان را مورد بررسی قرار داد.

همچنین "جف"، "والف" و "ویلسون" در مورد خصوصیات افراد مورد آزار قرار گرفته، بررسی هایی انجام داده اند، آنها فرد آزار دیده را دارای خصوصیات زیر می دانند:

از حیث اقتصادی و عاطفی وابسته است، در معرض افسردگی است، ریسک بالایی برای مصرف مواد و الکل و ابتلا به حوادث خانگی دارد. قادر به متقاعد کردن همسرش نسبت به وفاداری خویش نیست، بیهوده در مقابل تهمت رفتارهای فریبنده داشتن، از جانب همسرش در مقابل او موضع گیری می کند. منفعل، نا امید و ضعیف است. با ترس مزمنی زندگی می کند که به تدریج افزایش می یابد و وی را آزار می دهد. نا امیدانه اجازه می دهد به او تهمت بزنند یا او را محدود و محصور کنند و این محصور شدن به دنبال تفسیر و توجیه غلط همسر به اینکه نگران و مراقب اوست، می باشد. تدریجاً احاطه ی خویش را به حریم شخصی خود و فرزندانش از دست می دهد و همه ی سرزنش ها را می پذیرد. آزار مکرر زن، او را به بی ارادگی و تقلیل توانایی های شناختی هدایت می کند. پس از آزارهای مکرر، زنان هیچ اعتقادی به کنترل زندگی شان ندارند و احساس ناتوانی نسبت به تغییر شرایط دارند. Fishel and Rynerson. ۳۰۱-۳۹۵:۱۹۹۸)

چار چوب نظری تحقیق

از آنجا که در پدیده ی خشونت علیه زنان (همسر آزاری)، عوامل متعدد تأثیر دارند، در تحقیق حاضر نیز از نظریه هایی مانند: منابع، یادگیری اجتماعی و ویژگی های آسیب شناسی روانی و نیز از نظریه های مبتنی بر خانواده مانند زیست محیطی و از نظریه های مبتنی بر جامعه، مانند نظریه های فرهنگی نظام های انومی و خرده فرهنگ ها و فمینیستی استفاده شده است.

"نظریه منابع"، بر منابع مختلف افراد جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی تأکید دارد. « گود » بر آن است که اگر منابع در دسترس فرد زیاد باشد، فرد دارای زور و قدرت بیشتری است، اما عملاً کمتر از خشونت در روابط استفاده می کند. بنابراین خشونت، یک منبعی مانند پول یا اعتبار شخصی است، اما وقتی مورد استفاده قرار می گیرد که منابع دیگر، کارایی لازم را ندارند و یا در کسب پاسخ های مطلوب موفق نیستند. لذا افراد فاقد منابع دیگر مانند درآمد، تحصیلات، احتمالاً بیشتر از خشونت به عنوان یک منبع، جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی استفاده می نمایند. بنابراین بر اساس نظریه ی منابع « گود » می توان متغیرهایی چون درآمد، سطح تحصیلات و اشتغال، که احتمالاً زمینه ساز خشونت شوهران علیه زنان در خانواده هستند استنباط نمود (سعداوی و اعزازی،

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

۸۲:۱۳۸۵). از سوی دیگر، طبق "نظریه فرهنگی" خشونت، مردانی که با همسران خود بدرفتاری می کنند، در فرهنگی زندگی می کنند که در آن حاکمیت مردان بیشتر از زنان است. از ویژگی های دیگر این فرهنگ، تأیید پرخاشگری مردان، وجود حاکمیت مردانه و فرمانبرداری زنان است. بنابراین، در جوامع پدرسالارانه، استفاده از قدرت برای اثبات و برقراری امتیازات مردان، دارای مشروعیت است. به عبارت دیگر، هر قدر جامعه ای استفاده از خشونت را برای رسیدن به اهداف جذاب تبلیغ کند، احتمال مشروعیت بخشیدن به آن، در ابعاد دیگر اجتماعی افزایش می یابد (گیلبرت، ۱۳۷۹: ۲۳۵). به عقیده ی بعضی از جامعه شناسان در هر جامعه، خرده فرهنگ های گوناگونی وجود دارد که در آنها، رفتار خشونت آمیز به صورت هنجارهای دستوری دیده می شود. در چنین خرده فرهنگی، خشونت بدنی نوعی کنش متقابل میان افراد است و الگویی که اغلب برای حل مشکل از آن استفاده می شود. "باوکر" معتقد است تفاوت خرده فرهنگ ها نیز مربوط به درآمد نیست، بلکه به محیطی است که مردان در آن زندگی می کنند. پس براساس "نظریه ی فرهنگی" خشونت، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده فرهنگی دارای عناصر خاص خودش می باشد که این عناصر فرهنگی (ارزش ها، هنجارها، نگرش ها و اعتقادات) ممکن است خشونت شوهران علیه زنان در خانواده را تأیید و تقویت یا از آن ممانعت نماید، در نتیجه تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت شوهران علیه زنان، در خانواده را افزایش و یا کاهش می دهد. همچنین بر اساس نظریه ی "یادگیری"، خشونت نیز مانند بسیاری از رفتارهای دیگر خانواده یاد گرفته می شود. نظریه ی انتقال بین نسل ها هم معتقد است افرادی که در کودکی در خانه خشونت را تجربه می کنند یا شاهد آن هستند، در بزرگسالی به احتمال زیاد، در خانه خود، از خشونت استفاده خواهند کرد. البته طبق نظریه ی "زیست محیطی" خانواده هم، شاهد خشونت بودن در کودکی و مورد خشونت قرار گرفتن باعث استفاده از خشونت می گردد (آقا یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۵). طبق این دو نظریه تجربه خشونت توسط همسر در خانواده ی خاستگاه، همچنین شاهد خشونت بودن توسط همسر در خانواده ی پدری و تأثیر آن به خشونت شوهر علیه زن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

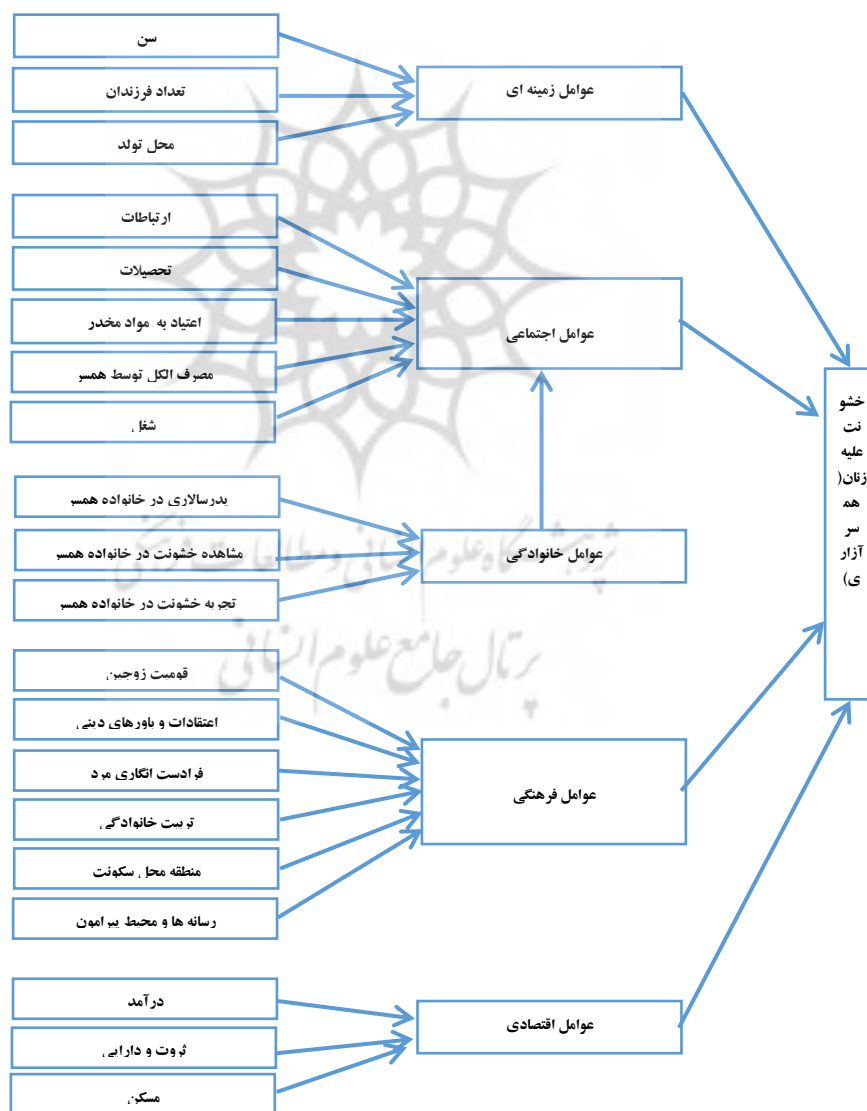
"وستن کرافت"، "هاریت تیلور"، "جان استوارت میل" (فمینیست های لیبرال) معتقدند که نقش های جنسیتی تبعیض آمیز باورهای پذیرفته شده درباره تفاوت های طبیعی دو جنس و روابط اجتماعی است که سرنوشت متفاوت برای زن و مرد رقم می زند. این گروه اصل را بر آزادی عملکردها، لذت جویی و رضایت خود محورانه افراد قرار داده اند. پاسخ آنها به این سؤال مهم آن است که با اصلاح قوانین و ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه می توان به اهداف تساوی طلبانه رسید (اعزازی، ۱۳۸۵: ۷۵)

"سیمون دوبوار" (۱۹۴۹) (فمینیست رادیکال) معتقد است ستمگری جنس مذکر و نظام مرد سالارانه ریشه تمام ستم ها و عامل نابرابری زن و مرد است. به اعتقاد وی ازدواج و خانواده مهمترین عامل توسعه پدر سالاری و عامل بدبختی زنان و نوعی فحشای عمومی است و برابری فقط از طریق انقلاب جنس مونث پدید می آید و زنان باید بر علیه عوامل سرکوب خود سازماندهی شوند. "سیمون دوبوار" معروف

ترین شخصیت رادیکال هاست و کتاب مشهوری به نام جنس دوم را وارد کرد که زمینه ساز پیدایش موج دوم فمینیست در دهه ۱۹۶۰ شد (دوبوار، ۱۳۸۰:۱۹۷).

"هایدی هارتمن" (سوسیال فمینیسم) این گرایش از آمیزش دو دیدگاه مارکسیسم و رادیکال فمینیسم به وجود آمده است. این گروه علت فرودستی زنان را نظام اقتصادی و سلطه پدر سالارانه می دانند و در پاسخ به پرسش دوم علاوه بر مبارزه طبقاتی، مبارزه جنسیتی را نیز ضروری می شمارند. از مهم ترین نظریه پردازان این گروه می توان به "هایدی هارتمن" اشاره نمود (ماسن و دیگران، ۱۳۶۸:۴۱۱).

الگوی نظری تحقیق



بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

فرضیات تحقیق

فرضیات این تحقیق با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر پدیده ی خشونت علیه زنان در خانواده به وسیله همسرانشان (همسر آزاری) در شهر کرمان از قرار زیر می باشد:

فرضیات کلان

- به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل زمینه ای رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیات خرد

الف: عوامل اجتماعی

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و اعتیاد شوهر به مصرف مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و تجربه ی خشونت در خانواده ی خاستگاه همسر رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و مشاهده ی خشونت در خانواده ی پدری توسط همسر، رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و طول مدت ازدواج زوجین رابطه معنادار وجود دارد. به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و یادگیری و تقلید رابطه وجود داشته باشد .

ب: فرهنگی

به نظر می رسد بین خشونت علیه زن در خانواده و تفاوت قومیت زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و سوءظن رابطه وجود داشته باشد .

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و اعتقادات و باورهای دینی رابطه وجود داشته باشد.

ج: زمینه ای

به نظر می رسد بین خشونت شوهر علیه زنان در خانواده و سن زوجین هنگام ازدواج رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و تعداد اعضای خانواده رابطه وجود داشته باشد.

به نظر می رسد خشونت علیه زنان در خانواده و محل تولد رابطه وجود دارد.

د: اقتصادی

به نظر می رسد بین خشونت مردان علیه زنان در خانواده و میزان درآمد رابطه وجود داشته باشد .
به نظر می رسد بین خشونت علیه زنان در خانواده و مسکن رابطه وجود داشته باشد .

طرح تحلیلی روش تحقیق

این پژوهش در نظر دارد به بررسی عوامل مؤثر در خشونت مردان علیه زنان بپردازد و نیاز به اطلاعات گسترده به صورت کمی دارد و به علت اهمیت این مساله بنابراین در سطح "درونی" است، زیرا به بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده همسرآزاری از دیدگاه زنان مورد خشونت می پردازد. از سوی دیگر ، بررسی پدیده خشونت مردان علیه زنان (همسر آزاری) نیازمند حجم طرح تحقیقاتی موردی می باشد. بنابراین حجم طرح تحقیق این رساله به جهت ماهیت موضوع تحقیق به صورت مطالعه "موردی" است. زیرا در مطالعه موردی، هر واحد اجتماعی چون یک کل در نظر گرفته می شود (ساروخانی: ۱۳۸۸، ۲۹۶).

طرح تحلیلی تکنیک تحقیق

در این پژوهش از تکنیک جمع آوری اطلاعات "پرسشنامه" و "کتابخانه ای" استفاده شده که با توجه به تنوع و تعدد متغیرهای به کار برده شده در فرضیات تحقیق از ابزار، تکنیک ها و روش های مختلفی جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز و جمع آوری داده های مزبور استفاده شده است. در این تحقیق پرسشنامه ها به زنان مراجعه کننده به مراجع قضایی جهت طرح و پیگیری شکایت از همسرانشان به جهت خشونت علیه آنها داده می شود.

اعتبار درونی پرسش نامه

آزمون "آلفای کرونباخ" یا قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه یک آزمون آماری است که حاصل آن یک ضریب به نام "آلفای کرونباخ" می باشد، برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه ای که به صورت طیف "لیکرت" طراحی شده و جواب های آن چند گزینه ای می باشند، به کار می رود.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ مفاهیم اصلی

شاخص ها	ضریب الفا
عوامل فردی	0.805
عوامل اجتماعی	0.792
اقتصادی	0.680
فرهنگی	0.767

ضریب اعتبار پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ (۰.۸۱) است.

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

جدول ۲- ضریب آلفای کرونباخ (میزان پایایی شاخص های متغیر مستقل)

عنوان شاخص ها	تعداد گویه ها	عنوان شاخص ها	ضریب پایایی
%۸۲۰	۸	خشونت احساسی و روانی	
%۸۵۴	۵	خشونت لفظی	
%۸۳۴	۵	خشونت اجتماعی	خشونت
%۹۳۷	۴	خشونت فیزیکی	
%۷۹۱	۳	خشونت اقتصادی	

روش پردازش اطلاعات

یکی از مهم ترین مراحل انجام تحقیق، مرحله تجزیه و تحلیل داده های آماری است. به کار گیری روش های صحیح آماری امکان ارائه نتایج صحیح را میسر می سازد. روش پردازش اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه ها پس از کدگذاری، استفاده از نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۱ می باشد که هر کدام از متغیرها و کدهای مربوط به آنها با استفاده از این نرم افزار تجزیه و تحلیل شده و در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می شود.

در این تحقیق روش پردازش بر پایه آمار توصیفی بر اساس جداول و نمودارهای تحقیق صورت پذیرفته است و روش پردازش بر پایه آمار استنباطی نیز از روش آماری ضرایب همبستگی و رگرسیون چند متغیر به روش گام به گام استفاده گردیده است. بنابراین ابتدا سعی شده تا از انواع شاخص های آمار توصیفی از جمله جداول یک بعدی و نمودار هر جدول که بیانگر توزیع فراوانی سؤال های پرسشنامه می باشد استفاده شده است. از سوی دیگر سطح اطمینان این تحقیق ۹۵٪ به عنوان معیار رد فرض صفر مورد استفاده قرار گرفته و سپس بر اساس تعداد فرضیات آزمون فرضیات محاسبه می شود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضرایب همبستگی "پیرسون" و رگرسیون چند متغیره به روش "گام به گام" استفاده شده است.

حدود مطالعاتی

در پژوهش های علوم انسانی به صورت اعم و علوم اجتماعی به صورت اخص الزما تعیین محدوده های زمانی و مکانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. محدوده مکانی این پژوهش، زنان متأهل شهر کرمان هستند که به واسطه خشونت های خانوادگی و همسر آزاری از همسرانشان شکایت دارند و به مراجع قضایی مراجعه کرده اند. حدود زمانی، زنان متأهل مراجعه کننده به مراجع قضایی به ویژه شعب دادگاه خانواده شهر کرمان در نیمه اول سال ۹۴ می باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۱۷ نفر از زنان متأهل شهر کرمان که به واسطه آزار و اذیت و خشونت به وسیله همسرانشان در نیم سال اول ۹۴ به مراجع و دستگاه های قضایی شهر شکایت دارند که ۱۵۳ نفر از آنان که در دسترس بوده اند و بدون هرگونه نمونه گیری، مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفتند.

نتایج تحقیق

نتایج به دست آمده و مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت مردان علیه زنان به ترتیب الویت عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی می باشد. که مهمترین متغیر تأثیرگذار اقتصادی میزان درآمد مرد و در عوامل اجتماعی شغل و در عوامل فرهنگی اعتقادات دینی تشخیص داده شده اند. بر اساس یافته های این تحقیق می توان گفت عمده ترین متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از عوامل اقتصادی با وزن بتای -0.062 ، اجتماعی با وزن بتای 0.000 معنا دار است.

- متغیرهای تأثیرگذار بر عوامل اجتماعی، خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی عبارت از پدر سالاری با وزن بتای 0.026 معنا دار است تعداد اعضای خانواده -0.063 و شغل همسر 0.057 معنا دار است.

- متغیرهای تأثیرگذار بر عوامل فرهنگی، خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی عبارت از اعتقادات دینی با وزن بتای 0.128 معنا دار است.

نتایج توصیفی

در این پژوهش از ۱۵۳ نفر زن که به وسیله همسرانشان مورد خشونت واقع شده اند، با پرسشنامه سؤال شده و نتایج زیر به دست آمده است:

- بیشترین تعداد پاسخگویان 35.4 درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال و کمترین تعداد 15.1 درصد در گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال قرار دارند و بیشترین تعداد پاسخگویان 22.6 درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال و کمترین تعداد 4.9 درصد ۱۵ تا ۲۰ سال هستند. همچنین بیشترین تعداد پاسخگویان 54.8 درصد متولد شهر، و کمترین 4.6 درصد متولد روستا هستند. $69/8$ درصد بیشترین تعداد پاسخگویان ۶ سال به بالا در شهر و ۲ درصد کمتر از ۲ سال در شهر زندگی میکنند.

- بیشترین تعداد پاسخگویان 95.1 درصد شاغل و 4.9 درصد بدون شغل هستند که بیشترین تعداد پاسخگویان 50.5 درصد با شغل آزاد، علاوه بر این ها بیشترین تعداد پاسخگویان 27.9 درصد میزان درآمد $600-401$ درصد هزار تومان و 8.2 درصد کمترین میزان ۱ میلیون به بالا درآمد خانواده است و

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۸.۲ درصد دارای دو فرزند و کمترین تعداد ۰.۴ درصد از شش فرزند بیشتر دارند که بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۸.۹ درصد با چهار عضو خانواده و کمترین تعداد ۰.۷ درصد دارای نه نفر اعضای خانواده است.

- بیشترین تعداد پاسخگویان ۹۶.۷ درصد با سواد و کمترین تعداد ۰.۳ درصد بی سواد هستند. همچنین بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۳.۸ درصد دارای تحصیلات دیپلم و کمترین تعداد ۹.۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس به بالا هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۹۴.۱ شوهرانشان با سواد و کمترین تعداد ۵.۲ درصد با شوهران بی سواد هستند. علاوه بر این بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۶.۹ درصد همسرانشان با تحصیلات دیپلم و کمترین تعداد ۸.۵ درصد با تحصیلات لیسانس به بالا هستند

- بیشترین تعداد پاسخگویان ۵۱.۸ درصد دارای همسران معنادار و ۴۶.۵ درصد همسرانشان فاقد اعتبار می باشند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۰.۷ درصد همسرانشان اعتیاد به تریاک و کمترین تعداد ۱.۶ درصد اعتیاد به شیشه دارند.

- از نظری اعتقادات و باورهای دینی بیشترین تعداد پاسخگویان ۸۹.۸ درصد نماز ۹.۲ درصد نماز نمی خوانند. - بیشترین تعداد پاسخگویان ۷۶.۴ درصد روزه، و کمترین تعداد ۲۳.۳ درصد روزه نمی گیرند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۶۸.۹ درصد همسرانشان نماز می خوانند و ۳۰.۵ درصد نماز نمی خوانند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۵۱.۸ درصد همسرانشان روزه می گیرند و ۴۷.۹ درصد روزه نمی گیرند.

- بیشترین تعداد پاسخگویان ۹۰.۵ درصد مشاجره با همسر و کمترین تعداد ۸.۸ درصد مشاجره ندارند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۹.۳ درصد دوماهی یکبار با همسرانشان مشاجره دارند، و کمترین تعداد ۴.۳ درصد ماهی یکبار با همسرانشان مشاجره دارند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۱.۶ درصد بی پولی شوهر، و کمترین تعداد ۳.۳ درصد سوءظن مرد نسبت به زن علت مشاجره است. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۸ درصد آزار و اذیت جسمانی، و کمترین تعداد ۲.۶ درصد سایر موارد مورد خشونت قرار می گیرند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۱۵.۴ درصد هل دادن و سایر موارد، و کمترین تعداد ۱ درصد سوازدن اتفاق افتاده است. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۲.۳ دوبردر هفته، و کمترین تعداد ۴.۶ درصد چهاربار در هفته با همسر خود مشاجره می کنند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۴.۹ درصد کبودی و سیاهی اعضای بدن، و کمترین تعداد ۳.۳ درصد خونریزی داخلی و سقط جنین است. بیشترین تعداد پاسخگویان ۱۹.۷ درصد سخت گیری درمخارج خانه، و کمترین تعداد ۱۴.۴ درصد شکستن وسایل خانه است.

- ۳۶.۴ درصد از پاسخگویان با اعتیاد مرد موافق و کمترین تعداد ۶.۲ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۹ درصد با دخالت اعضای فامیل موافق بودند و ۴۶.۲ درصد پاسخگویان با بیکاری زن موافق و کمترین تعداد ۴.۳ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۴۶.۲ درصد با مشاهده و تقلید رفتار پدر موافق و کمترین تعداد ۵.۹ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۷.۴ درصد با پدر سالاری موافق و کمترین تعداد ۶.۶ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۹.۸ درصد با تبعیت

از مرد مخالف بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۸.۵ درصد با زورگویی مخالف و کمترین تعداد ۹.۵ درصد بی نظر هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۲۷.۲ درصد با باور زن مخالف و کمترین تعداد ۱۰.۵ درصد بی نظر هستند.

- بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۴.۱ درصد با سازگار شدن زن در برابر خشونت مخالف و کمترین تعداد ۴.۹ درصد موافق هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۶.۱ درصد با قلدری مرد مخالف و کمترین تعداد ۳ درصد موافق هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۴۱.۳ درصد با قدرت اقتصادی مرد مخالف و کمترین تعداد ۳ درصد کاملاً موافق هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۷.۴ درصد با ناتوانی مالی مرد موافق و کمترین تعداد ۹.۸ درصد موافق هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۳.۸ درصد با مشارکت نداشتن زن در هزینه ها مخالف و کمترین تعداد ۱۶.۴ درصد بی نظر هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۰.۸ درصد با ولخرجی زن موافق و کمترین تعداد ۷.۲ درصد کاملاً موافق بودند.

- بیشترین تعداد پاسخگویان ۳۹.۳ درصد با اعتقادات دینی مرد موافق و کمترین تعداد ۱۱.۸ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۴۰ درصد با مردان مومن موافق و کمترین تعداد ۵.۲ درصد مخالف هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان ۴۰ درصد با مذهبی بودن خانواده موافق و کمترین تعداد ۱۱.۱ درصد مخالف هستند.

جهت تحلیل رگرسیون چند متغیره این تحقیق از مدل تحلیل رگرسیونی گام به گام استفاده شد که در نهایت هشت متغیر در مدل باقی ماندند، این متغیرها عبارتند از: فرادست انگاری مرد، مشاهده ی خشونت توسط همسر، سوء مصرف هر یک از مواد یا الکل توسط همسر، تحصیلات همسر، تجربه ی خشونت توسط همسر، در خانواده خاستگاه محل تولد زن، تقسیم قدرت مردانه در خانواده ی همسر و اشتغال زن، معادله استاندارد رگرسیونی به دست آمده به شکل زیر می باشد:

جدول ۳- نتایج رگرسیون متغیرهای مؤثر بر عوامل خشونت علیه زنان

نام متغیر	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	آمار رگرسیون خطی
عوامل اجتماعی	.000a	-.008	0.04	.000	.999
عوامل اقتصادی	-.062a	-.602	0.02	-.065	.971

متغیرهای تأثیر گذار بر خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از عوامل اقتصادی با وزن بتای -0.062 ، اجتماعی با وزن بتای 0.000 معنا دار است.

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)
در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴



جدول ۴- نتایج رگرسیون متغیر های مؤثر بر عوامل خشونت علیه زنان

نام متغیر	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	آمار رگرسیون خطی
شغل همسر	.057a	.540	0.01	.058	.935
تعداد اعضای خانواده	-.063a	-.602	0.04	-.065	.944

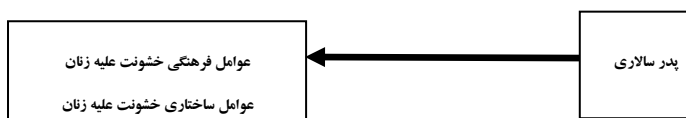
متغیر های تاثیر گذار بر عوامل فردی، خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی به ترتیب اولویت عبارتند از تعداد اعضای خانواده -0.063 و شغل همسر 0.057 معنا دار می باشد.



جدول ۵- نتایج رگرسیون متغیر های مؤثر بر عوامل خشونت علیه زنان

نام متغیر	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	آمار رگرسیون خطی
پدر سالاری	.026a	.259	0.04	.028	.996

متغیر های تاثیر گذار بر عوامل فرهنگی، خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی عبارت از پدر سالاری با وزن بتای 0.026 معنا دار می باشد.



جدول ۶- نتایج رگرسیون متغیرهای مؤثر بر عوامل خشونت علیه زنان

نام متغیر	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	آمار رگرسیون خطی
اعتقادات مذهبی	.128a	1.267	0.05	.136	.989

متغیرهای تأثیر گذار بر عوامل فرهنگی، خشونت علیه زنان بر حسب میزان همبستگی عبارت از اعتقادات دینی با وزن بتای ۰.۱۲۸ معنا دار است.



جدول ۷- جدول کلی رگرسیون فرضیات کلان و خرد

نام متغیرها	بتا	مقدار تی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	آمار رگرسیون خطی
عوامل اجتماعی	.000a	-0.008	.۰۰۴	.000	.999
عوامل اقتصادی	-.062a	-.602	.۰۰۲	-.065	.971
عوامل فرهنگی	-.004a	-.044	.965	-.005	.997
پدرسالاری	.026a	.259	.۰۰۴	.028	.996
اعتقادات مذهبی	.128a	1.267	.۰۰۵	.136	.989
شغل همسر	.057a	.540	.۰۰۱	.058	.935
محل سکونت	-.134a	-1.273	.206	-.137	.922
تعداد اعضای خانواده	-.063a	-.602	.۰۰۴	-.065	.944
تحصیلات همسر	-.029a	-.284	.777	-.031	.996

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

نتایج تحلیل رگرسیون

جداول بالا نشان می دهد که در بررسی رگرسیون خطی چند متغیره میزان درآمد به عنوان متغیر ثابت در نظر گرفته شده است و خشونت با عوامل اقتصادی و پدر سالاری و اعتقادات دینی و شغل و تعداد اعضای خانواده رابطه دارد.

بنابراین با توجه به سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است بین دو متغیر خشونت مردان علیه زنان در خانواده و متغیرهای زمینه ای، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد که در این میان متغیرهایی همچون پدرسالاری، باورها و اعتقادات دینی، محل سکونت، شغل، تحصیلات، اعتیاد همسر، تقلید و یادگیری، تعداد اعضای خانواده، درآمد و فرادست انگاری مرد با سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ نشانگر وجود رابطه معنی داری بین این متغیرها و خشونت علیه زنان یا همسرآزاری می باشد.

پیشنهادات تحقیق

خشونت علیه زنان مشکل پیچیده ای است که بدون همکاری و هماهنگی مؤسسات درمانی، قضایی، پلیس، خدمات بهزیستی و سایر نهادهای مردمی و دولتی نمی توان با آن مقابله کرد هزینه های ناشی از خشونت هنگفت است. افزون بر آن هزینه های امداد پزشکی، خدمات روان پزشکی، قضایی، پلیس و اجرای احکام جنایی را نیز شامل می شود، پیشنهاد می شود صدا و سیما برنامه هایی تولید کند تا جامعه به ویژه مردان فرهنگ خوش بینی و مثبت اندیشی را یاد بگیرند و طرز صحیح رفتار کردن با زنان را فرا گیرند. علاوه بر این ها، پیشنهاد می شود موضوع مقابله با خشونت خانگی و اجتماعی علیه زنان به یک همکاری فکری عمومی تبدیل شود.

راهکارهای تحقیق

- راهکارهای پیشنهادی جهت پیشگیری و جلوگیری از پدیده همسر آزاری به شرح ذیل می باشند
- ✓ ارتقای سطح آگاهی عمومی به ویژه مردان نسبت به حقوق زنان از طریق رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه ملی و فضاهای مجازی
 - ✓ تقویت مراکز مشاوره خانواده و توسعه این مراکز
 - ✓ الزام به گذراندن دوره های آموزش همسرمداری و مهارت های زندگی قبل از ازدواج و بعد از آن
 - ✓ تقویت و توسعه نهادهای مددکاری و مشاوره خانواده
 - ✓ تأسیس خانه ها و مراکز نگهداری موقت از این دسته از زنان که مورد خشونت واقع می شوند
 - ✓ حمایت از زنان در جهت ایجاد اشتغال، ایجاد فرصت های شغلی گوناگون بهبود وضعیت تحصیلی آنها، تقویت سازمان های حمایتی و اقتصادی و اجتماعی، کمک به این زنان در نگهداری از فرزندان شان ، تأمین درآمد و پیدا کردن شغل.

- ✓ ایجاد مراکز مشاوره ای بهزیستی در شهر کرمان که زنان را در مورد این مسأله راهنمایی کند و مشاوره های حقوقی به آنها بدهد.
- ✓ آموزش پرستاران و کادر پزشکی و استقرار گروه های متخصص مددکاری در زمینه ی کنترل خشونت علیه زنان در بیمارستان ها و بخش های زنان و خانه های بهداشت نیز از اقدامات اجرایی و کاربردی است که می تواند مؤثر واقع شود.
- ✓ کمک مشاوره ای به خانواده هایی که یکبار بر اثر خشونت دچار مشکلاتی شده اند، پیگیری وضعیت آنها و سعی در ایجاد موقعیت و روند بهتری در زندگی زناشویی همچنین تشویق زنان به گفتگو در مورد مسأله با گروه های همیاری که می توانند تشکیل دهند.

منابع و مأخذ

- ۱- اشتراوس ، م (۱۳۷۷) بررسی جامعه شناختی پیشگیری و درمان کتک زدن زن ها ، ویراستار ماریا روی ، زنان کتک خورده ؛ مترجم مهدی قراچه باغی ، تهران : انتشارات علمی ،
- ۲- اعزازی ، ش (۱۳۹۰). خشونت خانوادگی زنان کتک خورده؛ تهران : نشر سالی.
- ۳- توسلی ، غ (۱۳۹۱) . نظریه های جامعه شناسی ؛ تهران : انتشارات سمت ، چاپ اول ، ۱۳۶۹ ، چاپ سوم.
- ۴- دواس، دی. ای (۱۳۹۲). پیمایش در تحقیقات اجتماعی ؛ مترجم هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- ۵- رابرتسون ، ی (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه ؛ مترجم حسین بهروان ، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی و شرکت به نشر .،
- ۶- ساروخانی ، ب (۱۳۹۱). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده ؛ تهران : نشر کیهان.
- ۷- کار، م (۱۳۷۹). پژوهشی درباره ی خشونت علیه زنان در ایران ؛ تهران : انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۸- کرلینجر ، فرد. ان (۱۳۸۸) . مبانی پژوهش در علوم رفتاری، جلد اول ؛ مترجمین حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی وند ، تهران : انتشارات آوای نور ، چاپ دوم .
- ۹- کرلینجر ، فرد . ان (۱۳۷۶) . مبانی پژوهش در علوم رفتاری ، جلد دوم ؛ مترجمین حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی وند ، تهران : مؤسسه انتشارات آوای نور.

10- Ali, Alisha and Toner , Brwnda B .(2011) "Self-Esteem as a Predictor of Attitude Toward Abuse Among Muslim Women and Men in Canada"Journal of Social Psychology" feb 2001,Vol 141,Issue 1 , PP : 23-31
11 -Buzawa Eve S. and Buzawa carl. G.(1996); domestic violence, the criminal justice response, London

بررسی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر پدیده خشونت علیه زنان در خانواده (همسر آزاری)

در شهر کرمان در نیم سال اول ۱۳۹۴

- 12 -Fishel, A.H and rynerson, B.C. (1998) "domestic violence and family interpedence"; aggression and violence behavior, vol.3. pp:295-301
- 13- Goode, William. J. (2007) "force & violence in the family"; Journal of marriage and the family, London, sage publication, vol.3, no.4, pp:624-636
- 14 -Jukes, Adam Edward(1999) men who better women, London and New York, rutlege
- 15-Martin, Michael J.(2008) "family violence and adolescent's perceptions of out comes of family conflict" journal of marriage and family, vol.49, no.1, pp:417-426
- 16 -O'Brein, J.E(2002), violence in the devorce prone families, journal of marriage and family, vol.30, no.4, pp:692-698

